

- چهارشنبه ۲۶ دی ۱۴۰۳**
- سال هفدهم - شماره ۳۰۴۲**



سیهرغرب، گروه اجتماعی – طاهره ترابی‌مهوش: در گفت‌وگو با رئیس انجمن آسیب‌شناسی ایران مشخص شد؛ خانواده‌کلید دروازه خشونت اجتماعی است.

کوچه عزیزیان در خیابان پاستور همدان در پی مشکلات ترافیکی ساعت ۱۲ ظهر؛ در میانه فریادهای و عریبه‌های دو راننده کسی چیزی نمی‌فهمد به‌جز کلمات زشت و عبارت بی‌سر و ته و نامفهوم که از ته حنجره‌شان بیرون می‌آید و تبدیل به صداهای وحشتناکی می‌شود که هول و هراس به دل می‌اندازد، این همه عصبانیت و خشونت از چیست؟ مبادا کاری دست خود بدهند!

جمعیت دوره‌شان کرده و یکی دو نفر هم مداحی می‌کنند اما با خشونت و رفتار زشت دو طرف پا پس می‌کشند.

در قابی دیگر؛ غروب یکی از روزهای دی‌ماه و هوا کمی بارانی، جوانی در حال رد شدن از خیابان است که به یک پاره خودرویی ناآغل رد شده و چند قطره بار روی لباس او می‌پاشد.

اما جوان واکنش تندی نشان می‌دهد و این بحث منجر به دعای لفظی و خشمگین شدن جوان شده و راننده را به آنی در میان عصبانیتش چنان هول می‌دهد که بر زمین می‌افتد اما گویی بازمهم عصبانیت او فروکش نمی‌کند.

این‌ها نمونه‌هایی از وقایع خشونت‌باری است که هر روز ما شاهد یا شنونده آن‌ها هستیم، خشونت، تندخویی، پرخاشگری، غضب و از کوره در رفتن چه بسیار برایمان ملموس و آشناست. اموری که به بخشی از امور جاریه زندگی‌مان تبدیل شده، عواضی که پیامد کاهش آستانه تحمل و تاب‌آوری جامعه است و در بیشتر موارد منجر به درگیری‌های کلامی، رفتاری و در نتیجه نزاع و بروز حوادث جبران‌ناپذیر می‌شود.

جرائم مبتنی برخشونت، عصبانیت، زندخویی،

خشم و برافروختگی شامل نزاع، توهین و ضرب و شتم این روزها نه‌تنها در استان بالاترین آمار را در جرائم دارد بلکه در جامعه ما رقم قابل توجهی است. شرایطی که نشان می‌دهد با کوچکتربین تنش شاهد عکس‌العمل‌های کلامی و رفتاری خارج از عرف بین افراد هستیم.

بر این اساس به‌دلیل آنکه یکی از نهادهای تأثیرگذار در روند تعلیم و پرورش افراد خانواده است، برآن شدیم تا درخصوص نقش خانواده در کاهش خشونت‌های اجتماعی با رئیس انجمن آسیب‌شناسی اجتماعی کشور گفت‌وگویی ترتیب دهیم که در ادامه می‌خوانید:

کوروش محمدی: با بیان اینکه خانواده به‌عنوان یک نهاد اجتماعی‌کننده و یکی از مراجع مهم و اصلی جامعه‌پذیری فرزندان نه‌تنها در خشونت بلکه در جمیع رفتارهای شهروندان و فرزندان به طور کلی نقش کلیدی دارد، گفت: این بدان معنا است که الگوهای رفتاری و روان‌شناختی همگی در خانواده طراحی و از این نهاد به فرزندان که شهروندان جامعه خواهند بود منتقل می‌شود.

وی با تأکید بر اینکه خانواده نقش کلیدی در جامعه‌پذیری افراد دارد، اذعان کرد: آنچه مسلم است اینکه خانواده دروازه جامعه‌پذیری افراد است و سایر نهادهای همچون آموزش و پرورش، رسانه و به‌اسالان که در این زمینه نقش‌آفرینی می‌کنند یک گام جلوتر است.

وی با بیان اینکه این نهاد مجموعه‌ای از نهادهای جامعه‌پذیرکننده را تشکیل می‌دهند که فرزندان را برای تطبیق با ارزش‌های جامعه و به‌اصطلاح ایفای نقش مثبت تربیت و آماده می‌کند عنوان کرد: در این بین خانواده مبنایی است برای اتفاقات بعدی که در سطح جامعه شکل می‌گیرد یعنی آنچه که ما در فضای جامعه

شاهد هستیم به‌نوعی ریشه در تحولات و تغییراتی دارد که در دل خانواده‌ها شکل می‌گیرد. این آسیب‌شناس افزود: نخستین الگوهای خشونت و پرخاشگری فرزندان، والدین هستند و در عین حال نخستین واکنش‌های پرخاشگری را نسبت به تبعیض‌ها در فضای خانواده بروز می‌دهند؛ بنابراین می‌توان گفت امروز هر آنچه خود را در جامعه به شکل افسردگی و احساس نادیده گرفته شدن، احساس ناامنی، بی‌اعتباری رفتارهای اجتماعی که گف جامعه بروز می‌دهد، ریشه در سبک زندگی خانواده دارد.

محمدی با بیان اینکه در بروز خشونت‌های اجتماعی باید به خانواده به‌عنوان کلید بروز این آسیب نگاه کرد افزود، در سطح جامعه ما شاهد رفتارهای خشونت‌آمیز هستیم و همین مسئله در بروز و تقویت خشونت بیشتر در جامعه تأثیرگذار خواهد بود، به نوعی که تجمیع کارکردهای نهاد خانواده است که در یک نهاد بزرگتر یعنی اجتماع خود را نشان می‌دهد.

وی در پاسخ به این پرسش که چه نوع رفتارها و الگو در خانواده می‌تواند زمینه‌ساز خشونت اجتماعی باشد، عنوان کرد: خشونت اجتماعی که در کف جامعه بروز پیدا می‌کند، نتیجه یک یا چند استعداد خشونت فردی است؛ یعنی اگر افراد در زمینه خشونت‌های فردی قدرت کنترل و مهارت عبور از چالش‌ها و پرهیز از خشونت را نداشته باشند، در فرایند تعاملات اجتماعی شاهد تعامل یک مجموعه از افراد سالم با مهارت‌های خشونت‌پرهیز خواهیم بود.

وی ادامه داد: برعکس زمانی که این کنترل در حوزه فردی وجود ندارد و البته الگوی آن هم از خانواده گرفته شده، پرخاشگری اجتماعی یک امر تسهیل‌شده قلمداد می‌شود و به‌راحتی قابلیت نمایش یا عرضه در سطح جامعه را پیدا خواهد

اجتماعی

خانواده کلید دروازه خشونت اجتماعی

کرد چون افراد با زمینه خشونت تربیت شده و در این حال فاقد مهارت‌های اجتماعی کاهش خشونت هستند.

این جامعه‌شناس با بیان اینکه در این شرایط باید گفت که ریشه خشونت اجتماعی در همان خشونت‌های فردی است که افراد برای اثبات خود و غلبه بر فشارهایی که به لحاظ درونی و چالش‌هایی که به لحاظ فردی با آن‌ها روبه‌رو هستند، از خود بروز می‌دهند تشریح کرد: در تبیین این مسئله باید بگویم که در خشونت‌های اجتماعی افراد دنبال اثبات، غلبه، پیروزی، تأیید و برتری هستند که همه این موارد ریشه در تمایلات فردی دارد که خشونت هم یکی از آن‌ها است. محمدی با ابراز اینکه ریشه همه الگوهای رفتاری در خانواده شکل می‌گیرد اذعان کرد: در این بین یک نکته حائز اهمیت است و آن اینکه فضای آموزش و پرورش در کنار خانواده می‌تواند در پرورش مهارت‌های رفتاری به‌شدت تقویت‌کننده باشد.

وی با بیان اینکه اگر خانواده در جامعه‌پذیر کردن فرزندان خود ضعیف عمل کند و در مقابل شاهد آن باشیم که اگر آموزش و پرورش قدرتمند ورود پیدا کند قادر خواهد بود تگانه‌های پرخاشگری را در جامعه در سطح بالایی کنترل کند، عنوان کرد: حال در نظر بگیرید وقتی این نهاد هم ناکارآمد باشد در کنار خانواده می‌تواند منجر به تقویت خشونت اجتماعی در جامعه شود.

این جامعه‌شناس در پاسخ به این پرسش که آیا برنامه آموزشی یا برگزاری کارگاه‌های ویژه برای والدین می‌تواند در کاهش خشونت اجتماعی کمک‌کننده باشد؟ اظهار کرد: در شرایط خاص کارگاه‌ها یا برنامه‌های آموزشی برای والدین می‌تواند مؤثر باشد اما آن چیزی که ما در این زمینه نیاز داریم آموزش‌های اجتماعی مبتنی بر

دنیای مدرن همسایگی، بازی‌های محلی کودکان را تغییر داده است

ارتباطات با همسایگان از نظر اجتماعی، اخلاقی و عاطفی دچار بحران هستند، می‌گوید، بچه‌ها در این فضا از بابت رشد اجتماعی، اخلاقی و عاطفی منهدم نمی‌شوند. مدل‌های زندگی و نوع تربیت متفاوت است. امروز، بچه‌ها به‌دلیل تغییرات در ساختار زندگی اجتماعی، به‌خصوص محدود شدن ارتباطات با همسایگان، فرصت‌های کمتری برای تعامل اجتماعی در محیط‌های سنتی دارند. اما این بدان معنا نیست که آن‌ها در این زمینه دچار بحران خواهند شد.

او ادامه می‌دهد: بچه‌ها همچنان از طریق محیط‌های جدید مانند فضای مجازی، کارتون‌ها، و شبکه‌های پویای خودمان انواع و اقسام روابط اجتماعی، ابزار عواطف و مهارت‌های اجتماعی را یاد می‌گیرند. این‌ها به نوعی یادگیری‌های نهفته هستند. این‌ها یاد می‌گیرند که چگونه رفتار و مسائل بروز را حل کنند، و چه‌طور با دیگران تعامل داشته باشند. اگرچه این یادگیری‌ها در فضای محدود و در قالب‌های جدید صورت می‌گیرد، اما در موقعیت‌های واقعی، کودکان قادر خواهند بود از این داده‌ها و مهارت‌ها استفاده کنند.

این روان‌شناس تربیتی بیان می‌کند: در واقع، کودکان به‌دلیل تغییرات زندگی اجتماعی و شهری امروز، به‌نوعی در یک جهان جدید با نوع دیگری از سازگاری، ابزار عواطف و تعامل با دیگران روبه‌رو هستند. این تغییرات، اختلالات روحی را در کودکان ایجاد نمی‌کند، بلکه به آن‌ها کمک

در شرایطی زندگی می‌کنند که همسایگانشان فرزندان هم‌سن و سال فرزندانشان ندارند یا تعداد کودکان در محله‌ها آن‌قدر کم است که فرصتی برای ارتباط برقرار کردن و بازی‌های محلی باقی نمی‌ماند. والدین هم به‌دلیل مشغله‌های کاری و خستگی، دیگر نمی‌توانند فرصت‌هایی برای ارتباط با همسایگان یا برقراری روابط اجتماعی در محله‌ها فراهم کنند.

عضو هیئت علمی دانشگاه علامه طباطبایی، می‌گوید: تغییرات اجتماعی و فرهنگی در سبک زندگی به‌شدت بر رشد اجتماعی و عاطفی کودکان تأثیر می‌گذارد. در گذشته، کودکان از طریق بازی‌های محلی و تعاملات اجتماعی با همسایگان و خانواده‌های بزرگ‌تر، مهارت‌های اجتماعی و عاطفی خود را به‌دست می‌آوردند. آن‌ها یاد می‌گرفتند که چگونه با دیگران تعامل، تضاده‌ها را حل و احساسات خود را مدیریت کنند.

فیاض با اشاره به نوع تربیت در گذشته و مقایسه آن با امروز می‌گوید: در دهه‌های گذشته، روابط خانوادگی و قومی بسیار قوی‌تر بود، خانواده‌ها معمولاً ک یا هفت فرزند داشتند و این فرزندان در محله‌های خاصی زندگی می‌کردند، بچه‌ها با یکدیگر بازی می‌کردند، دعوا می‌کردند، سازگاری می‌کردند و در این فرآیند مهارت‌های اجتماعی و عاطفی خود را به‌خوبی می‌آموختند.

وی در پاسخ به این پرسش که آیا کودکان در دنیای کنونی و به‌ویژه به‌خاطر محدودیت

سیهرغرب، گروه اجتماعی؛ با پیشرفت زندگی شهری و فناوری، روابط همسایگی و بازی‌های محلی کودکان که در گذشته بخش مهمی از رشد اجتماعی آنان بود، کم‌رنگ شده است. روان‌شناس تربیتی، بر این باور است که با تغییراتی در سبک زندگی و تلاش برای ایجاد فرصت‌های جدید، می‌توان این روابط را به گونه‌ای دیگر در دنیای مدرن بازسازی کرد. در دنیای مدرن که فناوری و زندگی شهری به سرعت در حال پیشرفت است، بسیاری از مفاهیم فراموشی سپرده شده‌اند. یکی از این مفاهیم، روابط همسایگی و بازی‌های محلی کودکان است که در گذشته بخش مهمی از رشد اجتماعی و تربیتی آنان بود. اما امروز، با تغییرات گسترده در سبک زندگی، این روابط کم‌رنگ شده و نسل جدید کمتر با این تجربیات ارزشمند روبرو می‌شوند. برای فهم دقیق‌تر این تغییرات و پیامدهای آن، با دکتر ایران‌دخت فیاض، روان‌شناس تربیتی و عضو هیئت علمی دانشگاه علامه طباطبایی به گفت‌وگو پرداختیم.

■ **تأثیر تغییرات اجتماعی بر روابط همسایگی و رشد کودکان**

دکتر ایران‌دخت فیاض معتقد است که با گسترش شهرنشینی و تغییر در ساختار زندگی خانوادگی، روابط همسایگی و بازی‌های محلی کودکان به‌شدت تحت تأثیر قرار گرفته‌اند. ما وقتی در مورد هر متغیری صحبت می‌کنیم، باید

به آن در بستر اجتماعی و فرهنگی آن زمان نگاه کنیم. امروز، در جهان مدرن، زندگی به سرعت در حال تغییر است. از زندگی دایماری و کشاورزی گرفته تا زندگی صنعتی و امروز زندگی فراصنعتی، هر کدام از این دوره‌ها اقتضات خاص خود را دارند. در گذشته، خانه‌های ویلایی و محل‌های سکونت خاص، باعث ایجاد روابط اجتماعی مستحکم‌تری می‌شدند. اما در دنیای امروز، با مهاجرت‌های مستمر و تغییرات اجتماعی، مفهوم «بچه محل» تقریباً از بین رفته است.

وی به تأثیرات این تغییرات بر رشد اجتماعی کودکان اشاره می‌کند و می‌گوید: در گذشته، خانواده‌ها در یک محل سکونت می‌کردند و روابط خویشاوندی و اجتماعی بسیار قوی‌تری داشتند. عمو، خاله، دایی، و دیگر اقوام نزدیک در یک محله زندگی می‌کردند. اما امروز به‌دلیل تغییرات زندگی شهری و سبک زندگی خانواده‌ها، بسیاری از این روابط از بین رفته. امروز، افراد به‌دلیل نیازهای شغلی و اقتصادی، مجبور به تغییر محل سکونت می‌شوند و این تغییرات باعث می‌شود که هویت محلی و قومی کم‌رنگ شود.

وی همچنین به تغییرات در سبک زندگی خانواده‌ها اشاره می‌کند: در جهان مدرن، خانواده‌ها به‌طور فزاینده‌ای پراکنده شده‌اند و این پراکندگی باعث می‌شود که ارتباطات خانوادگی و اجتماعی ضعیف‌تر شوند. علاوه بر این، مشغله‌های کاری و زندگی پرنشش شهری باعث می‌شود که افراد حتی فرصت دیدار

کودکانی در تاریکی محله‌هایی ناامن

نگاهی به زندگی کودکان محله‌های آسیب‌دیده

 آرزوهای بزرگ، هر روز مجبورند در دنیای سخت واقعیت دست و پنجه نرم کنند.	
 سرنوشت این کودکان هیچ‌گاه خودخواسته نیست. آن‌ها محصول شرایطی هستند که به واسطه فقر، بی‌عدالتی و بی‌توجهی به حقوق اولیه انسانی شکل گرفته است. این کودکان نه‌تنها از امکانات آموزشی، بلکه از حمایت‌های اجتماعی و حتی حمایت‌های عاطفی والدین نیز محرومند. بسیاری از آن‌ها، با وجود داشتن	

زنده ماندن، در دنیای واقعی به سرعت رشد می‌کنند.

سرنوشت این کودکان هیچ‌گاه خودخواسته نیست. آن‌ها محصول شرایطی هستند که به واسطه فقر، بی‌عدالتی و بی‌توجهی به حقوق اولیه انسانی شکل گرفته است. این کودکان نه‌تنها از امکانات آموزشی، بلکه از حمایت‌های اجتماعی و حتی حمایت‌های عاطفی والدین نیز محرومند. بسیاری از آن‌ها، با وجود داشتن

می‌کند تا مهارت‌های اجتماعی خود را در شرایطی متفاوت و جدید توسعه دهند.

فیاض اشاره می‌کند: با وجود این تغییرات، همچنان باید سنت‌ها و ارتباطات خانوادگی را حفظ کنیم. برای مثال، ما در فرهنگ خود سنت‌هایی داریم که هنوز هم می‌توان آن‌ها را حفظ کرد. داشتن دورهمی‌های خانوادگی روز جمعه، دیدار با مادر بزرگ، یا برقراری تماس تلفنی با خانواده‌ها ازجمله این سنت‌هاست. حتی می‌توان در مناسک خانوادگی مانند جشن تولد، سالگرد ازدواج یا گردهمایی‌های بیرون از خانه، خانواده‌ها را دور هم جمع کرد. در دنیای امروز، شاید سفره‌ای که در گذشته داشتیم دیگر وجود نداشته باشد، اما می‌توانیم با هم بودن را تجربه کنیم. به‌عنوان مثال، خانواده‌ها می‌توانند دور هم جمع شوند، سفرهای دسته‌جمعی داشته باشند و با به‌صورت گروهی این سنت‌هاست. حتی می‌توانند فرصتی باشد برای حفظ سنت‌های خانوادگی و تقویت روابط اجتماعی.

وی تأکید می‌کند: با وجود تغییرات اجتماعی و زندگی مدرن، می‌توان ارتباطات انسانی و خانوادگی را بازسازی کرد و در عین حال، زندگی در دنیای جدید و محدود شدن ارتباطات با همسایگان نباید مانع رشد اجتماعی و عاطفی کودکان شود. در دنیای مدرن، باوجود سرعت تغییرات، حفظ سنت‌های خانوادگی و تقویت روابط اجتماعی می‌تواند به رشد عاطفی و اجتماعی کودکان کمک کند.

را به خوابگاه‌های دانش‌آموزی انتقال دهیم یا حمایت‌هایی از آن‌ها انجام دهیم، اما هفته بعد ۵۰ کودک دیگر جایگزین آن‌ها می‌شوند.

■ **راهکاری برای پیشگیری**

وی بر اهمیت شناسایی و پیشگیری از عوامل اصلی ایجاد محله‌های ناامن تأکید کرد و افزود: نخستین گام حیاتی، پیشگیری از شکل‌گیری این محله‌ها است. باید علل اقتصادی، اجتماعی و ساختاری که به‌وجود آوردن چنین مناطقی را تسهیل می‌کنند شناسایی و اصلاح کنیم. در عین حال، علاوه بر مقابله با این مشکلات ریشه‌ای، نباید از اقدامات کوتاه‌مدت غافل شویم. تقویت حمایت‌های اجتماعی، ایجاد فضاهای امن برای کودکان و فراهم کردن فرصت‌های آموزشی در مناطق آسیب‌دیده می‌تواند به کاهش آسیب‌ها کمک کند، اما این اقدامات نباید جایگزین اقدامات بنیادین شوند.

این جامعه‌شناس در پایان تأکید کرد: لازم است به این نکته توجه کنیم که چرخه آسیب‌های اجتماعی در محله‌های ناامن تنها با اقدامات کوتاه‌مدت شکسته نخواهد شد. ما نیاز به برنامه‌های جامع و ملی داریم که علاوه بر پاسخ به نیازهای فوری کودکان، به رفع ریشه‌های فقر، نابرابری و محرومیت نیز پرداخته شود. ایجاد فضاهای امن اجتماعی، حمایت از خانواده‌ها و اصلاح ساختارهای شهری، گام‌هایی هستند که می‌توانند شرایط این محله‌ها را تغییر دهند. آینده روشن برای این کودکان تنها با مسئولیت‌پذیری و همکاری همگانی امکان‌پذیر است.